



## اشاره:

مقاله حاضر، گزیده کتاب «قرآن و تبلیغ» نوشته حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی است. این مقاله، خلاصه مهمترین مطالب کتاب را با اندکی تغییر و اختصار به خوانندگان گرامی تقدیم می‌کند. در این کتاب به مطالبی چون جایگاه تبلیغ، آداب تبلیغ، صفات مبلّغ، شیوه‌های تبلیغ و وظایف مبلّغ پرداخته شده است.

## قلمرو تبلیغ

۱- در تبلیغ باید اول از خود شروع کرد، «وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ وَتَسْتَبِطِ»<sup>۱</sup>؛ و فطرت و الرُّجُزَ فَاهْجُرْ»<sup>۱</sup>؛ و پروردگارت را بزرگ بشمار و لباست را پاک کن و از پلیدی دوری کن.»

سپس باید خانواده را اصلاح نمود، «قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ...»<sup>۲</sup>؛ «به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو...» در مرحله سوم نوبت به خویشاوندان می‌رسد، «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»<sup>۳</sup>؛ «خویشان نزدیک خود را انذار کن.» و در آخر باید اهل منطقه و شهر را راهنمایی و ارشاد کرد. «لَتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا»<sup>۴</sup>؛ «تا اهل مکه و کسانی را که در اطراف آن هستند انذار کنی.»

## ضرورت تبلیغ

۲- با سلاح تبلیغ نقشه‌های شوم جهانخواران نقش بر آب و توطئه‌های شیطانی آنان خنثی می‌شود.

۶- استغفار همه موجودات:

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَعْلَمُ الْخَيْرِ تَسْتَغْفِرُ لَهُ دَوَابُّ الْأَرْضِ وَحَيْثَانُ الْبَحْرِ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَ سَمَائِهِ<sup>۸</sup>؛ تمام موجودات زمین و ماهیان دریا و هر کوچک و بزرگی در زمین و آسمان خدا، برای تعلیم دهنده خوبی طلب آمرزش می‌کنند.»

۸- ثواب آزاد کردن بنده:

رسول خدا فرمودند: «وَادِعُ النَّاسِ إِلَى الْإِسْلَامِ وَاَعْلَمَ أَنَّ لَكَ بِكُلِّ مَنْ أَجَابَكَ عِتْقُ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ يَعْقُوبَ<sup>۹</sup>؛ مردم را به اسلام دعوت کن و بدان، در مقابل هر کسی که تو را اجابت کند، ثواب آزادی یک بنده از فرزندان یعقوب برایت نوشته خواهد شد.»

### زمان و مکان تبلیغ

۹- مسجد بهترین مکان برای تبلیغ است. امام صادق علیه السلام به ابان بن تغلب فرمود: «إِجْلِسْ فِي الْمَسْجِدِ وَأَقْتِ النَّاسَ<sup>۱۰</sup>؛ در مسجد بنشین و برای مردم فتوا بده.»

۱۰- مبلغ باید سخنانش را در زمانی بگوید که شرایط فراهم باشد و گرنه به نتیجه نخواهد رسید. علی علیه السلام فرمودند: «مُجْتَبَى الثَّمَرَةِ لِعَيْرٍ وَقَتِ انْتِبَاعِهَا

۳- تبلیغ امر به معروف و نهی از منکر است و قرآن کریم می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ<sup>۵</sup>؛ «از میان شما باید گروهی باشند که مردم را به خیر دعوت کنند و از بدی بازدارند.» پس تبلیغ دین واجب است.

۴- بسی توجهی به مسأله تبلیغ موجب قهر الهی است. «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ. كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ كَفَعَلُوهُ<sup>۶</sup>؛ «کافران بنی اسرائیل به وسیله داوود و عیسی بن مریم لعنت شدند، زیرا سرکشی کرده و [به حقوق دیگران] تجاوز می‌نمودند و یکدیگر را از اعمال زشت باز نمی‌داشتند.»

### پاداش تبلیغ

۵- پاداش تبلیغ از دنیا و آنچه در آن است بیشتر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا خَيْرًا لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا<sup>۷</sup>؛ اگر خداوند به دست تو یک نفر را هدایت کند، برای تو از دنیا و آنچه در آن است بهتر است.»

كَالزَّرَائِعِ بَغَيْرِ أَرْضِهِ؛ کسی که میوه را قبل از رسیدنش بچیند، مانند کسی است که در زمین شخص دیگری کشت کرده است. که چون نمی تواند در آن محل بماند و به زراعت رسیدگی کند، از کشت خود بهره‌ای نخواهد برد.

### ابزار تبلیغ

۱۱- برای رساندن پیام باید با مخاطب ارتباط برقرار کرد و مهمترین وسیله ارتباط با دیگران «قلم» و «سخن» است.

﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾<sup>۱۱</sup>؛ «قسم به قلم و آنچه بدان می‌نگارند.» رسول خدا ﷺ فرمودند: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَرَزَنَ مِذَاذُ الْعُلَمَاءِ يَدْمَاءِ الشُّهَدَاءِ فَيَرْجِعُ مِذَاذُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ»<sup>۱۲</sup>؛ در روز قیامت مرکب قلم دانشمندان با خون شهیدان سنجیده می‌شود، پس آن مرکب بر خون شهیدان برتری می‌یابد.»

### آداب قلم و سخن

۱۲- از آنجا که مؤثر واقعی در هر کاری خداست، پس باید سخن با نام او آغاز شود. «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»<sup>۱۳</sup>؛ «بخوان به نام پروردگارت که

آفرید.»

۱۳- کلامی که با نام خدا آغاز نشود انجام نیکو نخواهد داشت. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُبْدَأْ فِيهِ بِاسْمِ اللَّهِ فَهُوَ آتَرَ»<sup>۱۴</sup>؛ هر کار مهمی که با نام خدا آغاز نشود به انجام نیکو نخواهد رسید.»

۱۴- کلام انسان، هیچگاه خالی از اشتباه نیست مگر اینکه متصل به وحی الهی باشد. «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۱۵</sup>؛ «به آنچه به تو وحی شده تمسک کن که تو بر راه راست هستی.»

و نیز کلام مبلغ باید:

۱۵- حق باشد، زیرا دین بر حق نازل شده است. از امام زین العابدین علیه السلام سؤال شد که شرایع دین چیست؟ حضرت فرمود: «قَوْلُ الْحَقِّ وَالْحُكْمُ بِالْعَدْلِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ»<sup>۱۶</sup>؛ سخن حق و حکم به عدالت و وفای به عهد و پیمان.»

۱۶- پاک و دلپسند باشد. «وَهْدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ»<sup>۱۷</sup>؛ «مؤمنان به سخنان پاک و به راه خدای ستایش شده هدایت شدند.»  
۱۷- هدایتگر باشد و مردم را از

تاریکی‌ها به سوی نور خارج سازد. «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ»<sup>۱۸</sup>؛ «این قرآن کتابی است که ما برای تو فرستادیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها به سوی نور، خارج سازی.»

۱۸- مستدل و منطقی باشد.

«قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»<sup>۱۹</sup>؛ «ای پیامبر! بگو اگر راست می‌گوئید، برهانتان را بیاورید.»

۱۹- حساب شده و سنجیده باشد.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا»<sup>۲۰</sup>؛ «ستایش مخصوص خدایی است که بر بنده خود کتاب را نازل کرد و در آن هیچ نقص و کجی قرار نداد.»

۲۰- در جهت رشد، کمال و تعالی

مخاطب باشد. «يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا»<sup>۲۱</sup>؛ «این قرآن، [خالق را] به راه خیر و صلاح هدایت می‌کند، بدین سبب ما به آن ایمان آورده و دیگر هرگز به خدای خود مشرک نخواهیم شد.»

۲۱- آمیخته با بشارت و تشویق

باشد. نمونه این بشارت را در آیه زیر

می‌توان یافت. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»<sup>۲۲</sup>؛ «کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند و نماز به پا داشتند و زکات دادند، پاداششان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر آنان است و نه غمگین می‌شوند.»

۲۲- آمیخته به موعظه و هشدار

باشد. نمونه هشدارهای قرآن کریم چنین است: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ»<sup>۲۳</sup>؛ «کسانی که به آیات خدا کفر ورزیدند، عذاب شدیدی دارند و خداوند توانا و انتقام‌گیرنده است.»

۲۳- متناسب با مقتضای حال

مخاطب باشد. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «إِنَّا مُعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ»<sup>۲۴</sup>؛ ما گروه پیامبران مأموریم که با انسان‌ها به اندازه عقلشان سخن بگوییم.»

۲۴- شیوا و رسا باشد: «قُلْ هُمْ فِي

أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا»<sup>۲۵</sup>؛ «با آن‌ها سخنی

رسا که در دلشان مؤثر افتد، بگوی.»

۲۵- نرم و آرام باشد. «وَأَذْهَبْنَا إِلَى

﴿اسْتَطَعْنَا أَهْلَهَا فَاَبْوَأْ أَنْ يُضَيِّقُوا هُنَا  
فَوَجَدَا فِيهَا جِدَاراً يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ  
فَسَأَلَامَهُ﴾<sup>۲۹</sup>؛ «موسی و خضر وارد  
قریه‌ای شدند. در حالی که گرسنه  
بودند از مردم درخواست غذا کردند  
ولی آن‌ها از مهمان کردنشان خودداری  
نمودند [با این حال] چون در آنجا  
دیواری یافتند که در حال خراب شدن  
بود، خضر دیوار را تعمیر و برپا کرد و  
بی‌وفایی مردم در اراده‌ی آنان اثر  
نگذاشت.»

۲۹- قبل از تعلیم دیگران به تعلیم  
خود بپردازد. ﴿وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ  
إِلَىٰ مَا أَنهَأَكُمُ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ  
مَا اسْتَطَعْتُ﴾<sup>۳۰</sup>؛ «من هرگز نمی‌خواهم  
چیزی که شما را از آن باز می‌دارم  
مرتکب شوم، من جز اصلاح تا آنجا که  
توانایی دارم نمی‌خواهم.»

۳۰- در تبلیغ خود اخلاص داشته  
باشد. ﴿وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ  
أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۳۱</sup>؛ «من  
برای رسالت خویش از شما پاداشی  
نمی‌خواهم و پاداش من تنها نزد  
خداوند عالمیان است.»

۳۱- از روی عدالت و بدون حب  
و بغض سخن بگوید. ﴿وَإِذَا قُلْتُمْ

فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا نَّيْبًا لَعَلَّهُ  
يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾<sup>۲۶</sup>؛ «به سوی فرعون  
بروید که او طغیان کرده است و با او به  
نرمی سخن بگویید، امید است که به  
خود آید [و از خواب غفلت و غرور  
بیدار شود] یا از خدا بترسد.»

۲۶- مفید و مختصر باشد. «مَنْ  
مَخَاطَرَاتٍ حِكْمَتِهِ بِضَوْلٍ كَلَامِهِ فَكَأَنَّمَا  
أَعَانَ هَوَاهُ عَلَىٰ هَدْمِ عَقْلِهِ﴾<sup>۲۷</sup>؛ هر کس با  
زواید سخن خود شیرینی و زیبایی  
حکمت خویش را محو کند، گویا بر  
نابودی عقل خود اقدام کرده است.»

### صفات مبلغ

مبلغ دینی در صورتی در کار خود  
موفق است که واجد ویژگی‌ها و  
صفات زیر باشد:

۲۷- نسبت به موضوع و مورد  
بحث آگاهی کامل داشته باشد. ﴿قُلْ  
هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا  
وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾<sup>۲۸</sup>؛ «بگو این راه من است.  
من و پیروانم با بصیرت و آگاهی کامل،  
مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.»

۲۸- چنان به هدف خود ایمان  
داشته باشد که همچون حضرت  
خضر علیه السلام در گرسنگی و تشنگی نیز  
رسالت خویش را انجام دهد.

فَاعْبُدُوا<sup>۳۲</sup>؛ «هرگاه سخن گفتید، عدالت را رعایت کنید.»

۳۲- سعه صدر داشته باشد. «وَلَا يَخْزُوكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»<sup>۳۳</sup>؛ «سخن آنان تو را غمگین نکند، زیرا عزت، همه از آن خداست. او شنوای داناست.»

۳۳- به وعده‌های الهی امیدوار باشد. «وَلَا تَيَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْسِئُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»<sup>۳۴</sup>؛ «از رحمت خدا ناامید نشوید که تنها قوم کافران از رحمت خدا ناامید می‌شوند.»

۳۴- قاطع و باشهامت باشد. «الَّذِينَ يُتْلُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»<sup>۳۵</sup>؛ «کسانی که رسالت‌های الهی را تبلیغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از احدی جز خدا هراس ندارند...»

۳۵- انتقادپذیر باشد، چرا که گوش نکردن به حقایق از نظر قرآن، صفت کافران است. «هُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا»<sup>۳۶</sup>؛ «آن‌ها (کافران) گوش‌هایی دارند که با آنان نمی‌شنوند.»

۳۶- حامی محرومان باشد. «وَمَا

أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا»<sup>۳۷</sup>؛ «من هرگز مردم با ایمان را [هر چند به نظر شما فقیر و بی‌چیز باشند] از خود دور نمی‌کنم.»

۳۷- بر خدا توکل کند. «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ»<sup>۳۸</sup>؛ «تو نمی‌توانی هر کس را بخواهی هدایت کنی اما خدا هر کس را بخواهد هدایت می‌کند.»

۳۸- منظم و وقت‌شناس باشد. حضرت علی علیه السلام در این رابطه به امام حسن و امام حسین علیهما السلام سفارش می‌کند: «أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعِ وَ وُدِّي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ»<sup>۳۹</sup>؛ شما دو تا (امام حسن و امام حسین) و همه فرزندان و اهل خود و هر که نوشته من به او برسد را به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم.»

۳۹- متواضع و باگذشت باشد. «وَ أَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۴۰</sup>؛ «مؤمنانی را که از تو پیروی می‌کنند زیر بال محبت خود بگیر و نسبت به آن‌ها متواضع باش.»

۴۰- تمیز، خوشبو و آراسته ظاهر باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كَانَ

امیدواری بودی.»

۴۵- ساده‌زیست و بی تکلف باشد. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُحِبُّ الرُّكُوبَ عَلَى الْحِمَارِ مُوكَفًا وَالْأَكْلَ عَلَى الْحَضْبِضِ مَعَ الْعَبِيدِ وَ مُنَاوَلَةَ السَّائِلِ بِيَدَيْهِ»<sup>۴۶</sup>؛ رسول خدا سوار شدن بر الاغ در حالی که پارچه‌ای به جای زین بر آن می انداخت و غذا خوردن با غلامان در مکان‌های پائین و بخشش به فقیران با دست خویش را دوست می داشت.

### شیوه‌های تبلیغ

در تبلیغ دین از شیوه‌های مختلفی می توان استفاده کرد. قرآن کریم بسیاری از این شیوه‌ها را بکار برده است. از جمله:

۴۶- یادآوری نعمت‌ها و رحمت‌های الهی: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»<sup>۴۷</sup>؛

«ای مردم، نعمت خدا را بیاد آرید. آیا جز خداوند، آفریننده‌ای هست که از آسمان و زمین به شما روزی دهد؟»

۴۷- تحریک عواطف: قرآن کریم برای تحریک عواطف در جهت ترک غیبت می فرماید: «أَيُّحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا»<sup>۴۸</sup>؛ «آیا کسی از

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُنْفِقُ عَلَى الطَّيِّبِ أَكْثَرِمَا يُنْفِقُ عَلَى الطَّعَامِ»<sup>۴۱</sup>؛ رسول خدا ﷺ برای بوی خوش بیشتر از غذا خرج می کردند.

۴۱- نرمخو، مهربان و دلسوز باشد. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»<sup>۴۲</sup>؛ «رحمت خدا تو را مهربان و خوش خلق گردانید و اگر تندخو و سخت دل می بودی، مردم از گرد تو پراکنده می شدند.»

۴۲- مردمی و درد آشنا باشد. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ»<sup>۴۳</sup>؛ «به تحقیق رسولی از خودتان به سوی شما آمد.»

۴۳- حرف‌های دیگران را بشنود ولی به همه حرف‌ها ترتیب اثر ندهد. «قُلْ أَدْنُ خَيْرٍ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ»<sup>۴۴</sup>؛ «پیامبر به سخنان شما (منافقان) خوب گوش می دهد، اما به خدا ایمان دارد و فقط سخنان مؤمنان را تصدیق می کند.»

۴۴- خوش سابقه باشد. «يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا»<sup>۴۵</sup>؛ «ای صالح تو پیش از آنکه دعوی نبوت کنی در میان ما مورد اعتماد و مایه

نزد تو یکسان نباشد که سبب بی رغبت شدن نیکوکار بر انجام کارهای نیک و وادار نمودن بدکار به بدی است.»

۵۱- تلقین کردن: قرآن کریم به مردم تلقین می‌کند که اگر ایمان بیاورند، برترند. «**أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**»<sup>۵۳</sup>؛ «اگر مؤمن باشید برترید.»  
۵۲- تشبیه و تمثیل: «**وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبِهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ**»<sup>۵۴</sup>؛ «و این مثال‌ها را برای مردم می‌زنیم، امید است که تفکر کنند.»

۵۳- استفاده از قصه و داستان: «**نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ**»<sup>۵۵</sup>؛ «ما بهترین حکایت‌ها را به وسیله وحی این قرآن به تو می‌گوئیم.»

۵۴- برهان، جدل و مناظره: «**أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُجَّةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ**»<sup>۵۶</sup>؛ «با حکمت (استدلال) و

بند نیکو به سوی پروردگارت بخوان.»  
۵۵- جنگ سرد (ایجاد شک و

تردید): کافران برای خستی کردن تبلیغات پیامبر خدا می‌گفتند: «**بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَخْلَامٍ بَلْ أَفْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ**»<sup>۵۷</sup>؛

شما دوست دارد که گوشت برادر دینی‌اش را در حالی که مرده است بخورد؟»

۴۸- سؤال کردن از مخاطب: قرآن کریم از این شیوه به خوبی استفاده کرده است مثل: «**فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ**»<sup>۴۹</sup>؛ «کجا می‌روید؟» و در جای دیگر می‌فرماید: «**أَمْ نَخْلُقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ**»<sup>۵۰</sup>؛ «چه کسی آسمان‌ها و زمین را خلق کرده است؟» و...

۴۹- بیان تاریخ و سرنوشت پیشینیان: قرآن کریم از این شیوه فراوان استفاده کرده است مثلاً می‌گوید: «**قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ**»<sup>۵۱</sup>؛ «پیش از شما ملت‌هایی بودند و رفتند. بنابراین در زمین گردش کنید تا ببینید که تکذیب کنندگان وعده‌های خدا چگونه نابود شدند.»

۵۰- تهدید و تشویق: علی رضی الله عنه در این رابطه می‌فرماید: «**وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيئُ عِنْدَكَ بِمِثْلَةٍ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَزْهِيداً لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَ تَدْرِيباً لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ**»<sup>۵۲</sup>؛ ای مالک، نیکوکار و بدکار



قرآن کریم آنجا که می‌خواهد آدم و حوّا عَلَيْهِمَا السَّلَام را از نزدیک شدن به درختی در بهشت بازدارد، ابتدا اجازه می‌دهد، از هرچه می‌خواهند بخورند و سپس آن‌ها را از خوردن گیاهی خاص منع می‌کند. «وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ»<sup>۵۸</sup>؛ «ای آدم! تو و همسرت در بهشت جای گیرید و هرچه می‌خواهید بخورید ولی نزدیک این درخت نشوید.»

۵۹- معرفی کردن الگوهای خوب و بد: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فِزَعُونَ»<sup>۶۲</sup>؛ «خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند، همسر فرعون را مثل آورده است.»

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَاتٍ نُوحٍ وَأَمْرَأَاتٍ لُوطٍ كَاتِنَاتٍ تَحْتِ عِبْدِيْنَ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتْهُمَا»<sup>۶۳</sup>؛ «خداوند برای کسانی که کفر ورزیدند، زن لوط و زن نوح را مثال آورده که تحت فرمان دو بنده صالح ما بودند ولی به آن‌ها خیانت کردند.»

۶۰- تداوم و تکرار: «وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»<sup>۶۴</sup>؛ «و ما [برای هدایت مردم] سخن الهی را

«بلکه گفتند: خواب‌های شوریده است، [نه] بلکه آن را بر بافته، بلکه او شاعری است. پس همان گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد، باید برای ما نشانه‌ای بیاورد.» و قرآن کریم حمله را متوجه آن‌ها کرده و می‌گوید: «إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ثُمَّ نَظَرَ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ثُمَّ أَدْبَرَ...»<sup>۵۸</sup>؛ «آن کافر فکر کرد و اندیشه بدی کرد. مرگ بر او، اندیشه بدی کرد. باز هم مرگ بر او، چه فکر خطایی کرد...»

۵۶- استفاده از هنر: «فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنسِي»<sup>۵۹</sup>؛ «پس برای آنان پیکر گوساله‌ای که صدایی داشت بیرون آورد، [او و پیروانش گفتند:] این خدای شما و خدای موسی است. [ایمان خدا را] فراموش کرد.»

۵۷- مقایسه کردن: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ»<sup>۶۰</sup>؛ «و هرگز [کافر تاریک دل] کور و [مؤمن روشن روان] بینا یکسان نیستند و هیچ ظلمتی با نور مساوی نخواهد بود و هرگز آفتاب و سایه هم رتبه نباشند.»

۵۸- آماده‌سازی و ایجاد زمینه:

۶۴- دعوت به مشترکات: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ»<sup>۶۸</sup>؛ «بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی کلمه‌ای که بین ما و شما یکسان است، که جز خدای یکتا را نپرستیم.»

۶۵- پرسش و پاسخ: «أَفَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ»<sup>۶۹</sup>؛ «آیا کسی که مؤمن است، چون کسی است که نافرمان است؟ یکسان نیستند.»

### وظایف مبلغ

۶۶- خودسازی و تبلیغ عملی: «اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»<sup>۷۰</sup>؛ «آیا مردم را به نیکی دستور می‌دهید و خودتان را فراموش کرده‌اید.»

۶۷- تعلیم و تربیت مردم: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»<sup>۷۱</sup>؛ «او خدایی است که در بین مردم درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت تا آیات خداوند را بر آنان تلاوت کند و آن‌ها را پاک سازد و کتاب و حکمت را به ایشان بیاموزد.»

۶۸- تبلیغ ولایت و رهبری: «يَا

پیوسته آوردیم تا شاید یادآور [حقایق آن] شوند.»

۶۱- برقرار کردن تعادل بین دنیا و آخرت: «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا»<sup>۶۵</sup>؛ «از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید.»

۶۲- استفاده از القاء غیر مستقیم: «وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمَّي الْهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ»<sup>۶۶</sup>؛ «و [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: ای عیسی؛

پسر مریم، آیا تو به مردم گفتی: من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند بپرستید.» خداوند با این خطاب به طور غیرمستقیم می‌خواهد به پیروان حضرت عیسی بفهماند که اعتقادشان بر خدا بودن عیسی عليه السلام و مادرش شرک است.

۶۳- استفاده از القاء تدریجی: «وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَ رَبَّنَا نُزِّلْنَا تَرْتِيلًا»<sup>۶۷</sup>؛ «و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: چرا این قرآن یکجا بر او نازل نشد؟ این گونه اما آن را به تدریج نازل کردیم [تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم و آن را به آرامی [بر تو] خواندیم.»

بی آزار می فرماید: ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِي دِينُ اللَّهِ﴾؛ «دین شما برای خودتان و دین من برای خودم.» و در برخورد با بستگان منحرف که زیر بار حق نمی روند می فرماید: ﴿يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ﴾؛ «ای نوح! او (پسرت) اهل تو نیست، زیرا او را عملی ناشایسته است.» و در برخورد با هوادارانی که مخالف شده اند می فرماید: ﴿وَمَنْ يَزِدْكَ مِنْكُمْ عَنِ دِينِهِ فَمِثْلُ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾؛ «و کسی از شما که از دینش برگردد و بمیرد در حالی که کافر است، پس ایشان اعمالشان در دنیا و آخرت نابود می شود.»

و همچنین قرآن کریم با هر یک از گروه های دیگر برخوردی مناسب خودشان دارد.

### پی نوشت ها:

- ۱- مدثر/ ۵- ۳.
- ۲- احزاب/ ۵۶.
- ۳- شعرا/ ۲۱۴.
- ۴- انعام/ ۹۲.
- ۵- آل عمران/ ۱۰۴.
- ۶- مائده/ ۷۸ و ۷۹.
- ۷- بحارالانوار، چاپ بیروت (مؤسسه الوفاء)، ج ۱، ص ۱۸۴.
- ۸- بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۷.
- ۹- وسایل الشیعه، چاپ المكتبة الاسلاميه،

أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾؛ «ای رسول! آنچه از سوی خدا بر تو نازل شده است به مردم برسان که اگر نرسانی رسالت خویش را تبلیغ نکرده ای.»

۶۹- مبارزه با طاغوت: ﴿ادْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى﴾؛ «ای موسی! به سوی فرعون برو، که طغیان کرده است.»

۷۰- مبارزه با خرافات: پیامبر اکرم در این رابطه به معاذ دستور می دهد: ﴿وَأَمَّا أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ إِلَّا مَا سَنَّهُ الْإِسْلَامُ﴾؛ «ای معاذ! سنت های جاهلیت را بمیران، مگر آنچه را که اسلام سنت کرده است.»

۷۱- احترام به دیگران: رسول خدا ﷺ فرمودند: «أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ»؛ ذلیل ترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.»

۷۲- توجه به نسل نو: امام صادق علیه السلام فرمودند: «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ»؛ به نوجوانان توجه کن زیرا آنان سریعتر به هر خوبی روی می آورند.»

۷۳- برخورد مناسب با مخالفان: قرآن کریم در برخورد با مخالفان

- ج ۱۱، ص ۳۹۸.  
 ۱۰- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۶۶.  
 ۱۱- قلم / ۱.  
 ۱۲- بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۶.  
 ۱۳- علق / ۱.  
 ۱۴- تفسیر المیزان، المطبعة التجارية بيروت،  
 ج ۱، ص ۱۶.  
 ۱۵- زخرف / ۴۳.  
 ۱۶- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۵۰.  
 ۱۷- حج / ۲۴.  
 ۱۸- ابراهيم / ۱.  
 ۱۹- انعام / ۵۷.  
 ۲۰- كهف / ۱.  
 ۲۱- جن / ۲.  
 ۲۲- بقره / ۲۷۷.  
 ۲۳- آل عمران / ۴.  
 ۲۴- ترجمه اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷.  
 ۲۵- نساء / ۶۳.  
 ۲۶- طه / ۴۳ و ۴۴.  
 ۲۷- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷.  
 ۲۸- يوسف / ۱۰۸.  
 ۲۹- كهف / ۷۷.  
 ۳۰- هود / ۸۸.  
 ۳۱- شعراء / ۱۰۹.  
 ۳۲- انعام / ۱۵۲.  
 ۳۳- يونس / ۶۵.  
 ۳۴- يوسف / ۸۷.  
 ۳۵- احزاب / ۳۹.  
 ۳۶- اعراف / ۱۷۹.  
 ۳۷- هود / ۲۹.  
 ۳۸- قصص / ۸۶.  
 ۳۹- نهج البلاغه فيض الاسلام، نامه ۴۷.  
 ۴۰- شعراء / ۲۱۵.  
 ۴۱- بحار الانوار، چاپ بيروت (مؤسسة الوفاء) ج  
 ۱۶، ص ۲۴۸.  
 ۴۲- آل عمران / ۱۵۹.  
 ۴۳- توبه / ۱۲۸.  
 ۴۴- توبه / ۶۱.  
 ۴۵- هود / ۶۲.  
 ۴۶- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۸.  
 ۴۷- فاطر / ۳.  
 ۴۸- حجرات / ۱۲.  
 ۴۹- تكوير / ۲۶.  
 ۵۰- نمل / ۶۰.  
 ۵۱- آل عمران / ۱۳۷.  
 ۵۲- نهج البلاغه فيض الاسلام، نامه ۵۳، ص ۹۸۸.  
 ۵۳- آل عمران / ۱۳۹.  
 ۵۴- حشر / ۲۱.  
 ۵۵- يوسف / ۳.  
 ۵۶- نحل / ۱۲۵.  
 ۵۷- انبيا / ۵.  
 ۵۸- مدثر / ۱۹- ۲۵.  
 ۵۹- طه / ۸۸.  
 ۶۰- فاطر / ۱۹، ۲۰، ۲۱.  
 ۶۱- اعراف / ۱۹.  
 ۶۲- تحریم / ۱۱.  
 ۶۳- تحریم / ۱۰.  
 ۶۴- قصص / ۵۱.  
 ۶۵- مؤمنون / ۵۱.  
 ۶۶- مائده / ۱۱۶.  
 ۶۷- فرقان / ۳۲.  
 ۶۸- آل عمران / ۶۴.  
 ۶۹- سجده / ۱۸.  
 ۷۰- بقره / ۴۴.  
 ۷۱- جمعه / ۲.  
 ۷۲- مائده / ۶۷.  
 ۷۳- طه / ۲۴.  
 ۷۴- ترجمه تحف العقول، ص ۲۶.  
 ۷۵- بحار الانوار، چاپ المكتبة الاسلاميه، ج ۷۵،  
 ص ۱۴۲.  
 ۷۶- بحار الانوار، چاپ بيروت (مؤسسة الوفاء)،  
 ج ۲۳، ص ۲۳۶.  
 ۷۷- كافرون / ۶.  
 ۷۸- هود / ۴۶.